

پایداری حافظه؛ جستاری بر همبستگی عنوان و اثر، به نگارش سهراب نبی پور



تصویر ۱- پایداری حافظه، سالوادور دالی، ۱۹۳۱، رنگ روغن روی بوم، ۲۴ در ۳۳ سانتی‌متر، موزه‌ی هنرهای مدرن، نیویورک، آمریکا (url 1)

پایداری حافظه نام‌های به اصطلاح مستعار زیادی را به دنبال دارد که به طرز جدایی‌ناپذیری به آن اتصال یافته‌اند؛ نام‌هایی که سعی دارند با توصیف عناصر موجود در کادر توجه مخاطبان نو و کم‌توجه‌تر را از عنوان و ارتباطات هم‌افزای آن با تصویر دور سازند. که البته خود به شکل فعال‌تری ناشی از برخورد اصطلاحات به کار رفته‌ی منتقدین و زندگی روزمره‌ی مردم و ترجیح مکرر آنان نسبت به عنوان هستند. نام‌هایی همچون "ساعت‌های نرم"، "ساعت‌های ذوب شونده و پژمرده (آویزان)؟". حال آنکه کلید واژه‌هایی در عنوان اثر موجودند که معمای حاضر را در رسیدن به مقصود خود راهبر خواهند شد. دالی خود بارها بر توهمات خود القا شده‌ی روانی تاکید می‌کرد و اهمیت بهره‌برداری از آنان را در دوره‌ی اولیه‌ی سوررئالیستی خود که حاصل ترس از تغییر هر روزه‌ی جهان هم عصرش تعریف می‌کرد و اثر مورد بحث را کامل‌ترین و دقیق‌ترین نمونه‌ی آن، هم از منظر تصویری و هم بیان مفهومی می‌دانست، به حد اغراق‌آمیزی تاثیرگذار برمی‌شمرد. به طوری که اولین کسی که از اثر نهایی شگفت‌زده، هیجان‌زده و به عبارتی وحشت‌زده می‌شد را خود می‌دانست. گویی هنرمند با تاکید بر عناصری که آنان را اجزایی از باورهای خویش می‌نامید به القا و قبولاندن جهان‌بینی خود به مخاطبان در رویکردهای هنری خویش می‌پرداخت. (دالی، ۱۹۴۲: ص ۴۲۵)

¹ The Soft Watches

² The Melting and the Droopy Watches

با توجه به اندازه‌ی بسیار کوچک تصویر (۲۴ در ۳۳ سانتی‌متر) و برخورد کلاسیک نقاش در به کارگرفتن رنگ، تکنیک‌ها و شیوه‌های قلم زنی، محو کاری، طراحی و بُعدنمایی این نکته که نقاش طرح مسئله‌ی امکان بروز یا همان موقعیت امکان پذیری در منطق مخاطبین اثر خود را در ذهن داشته توجه را به خود جلب می‌کند؛ او با تکنیکی که هدف غایی خود را ثبت نقطه‌ی دید انسان، عینیت، ماهیت ادراک پنج گانه و آنچه که بیرون از خود، واقعیت تعریف می‌کرد و با همان تدبیر که انسان را مرکزیت تاثیرپذیر و تاثیرگذار هستی معرفی می‌نمود، به ثبت ناپایداری قدرت فهم منطقی از جهان و آنچه که قرن‌ها برای ساختن‌اش وقت و عمر صرف شده بود، می‌پردازد. بخش سرکوب شده‌ای از امیال و رانه‌های نشأت گرفته از نیروی حیات، همان اصل لذت و میل به جاودانگی و تداوم حیات به واسطه‌ی تولید مثل که هر از چند گاهی همچو مواد مذاب روان زیر پوسته‌ی نازک زمین آگاهی ضربه می‌زند و با رخنه به موقعیت‌هایی حضور پنهان خود را نمایان می‌سازد. نقاشی‌های دالی خود را عکس‌هایی ساخته‌ی دست از رویا ارائه می‌کنند و بر ثبت کردن هر گونه گزینش‌گری تاکید می‌ورزند، با دقت و ظرافت تمامی که ناخودآگاه در خلسه‌ی نیمه‌خودآگاهی جاری می‌سازد. فضایی که در زمان رویا نرم شده و بُعد زمان که بدون فضا جز اندیشه‌ای از گذر عمر نیست. (دالی، ۲۰۱۳: ص ۲۴۲)

داون آدس^۳ ساعت‌های نرم را نمادی ناخودآگاه از نسبت فضا و زمان، و نتیجه‌ی مراقبه‌ای سوررئالیستی بر فروپاشی عقاید و ادراک بشر از نظم تغییرناپذیر کیهانی می‌داند. (آدس، ۱۹۸۲: بند ۲ (Link 1)) در نگاهی از سوی دیگر، هنرمند به انکار چنین تفاسیری می‌پردازد و تن به زیرمجموعه‌ی یک جهان‌بینی کلیت‌ساز علمی نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که او حاضر نیست تاثیرپذیری را بپذیرد بلکه معتقد است که چنین دریافت‌های شهودی و ناخودآگاه است که راه به نظریات اثبات شده‌ی علمی می‌گشایند.

زیانزد است که تمام کاتالونایی‌ها فقط آنچه را که می‌توانند بچشند، بو بکشند، لمس کنند، بشنوند یا ببینند باور می‌کنند. (دشارن^۴ - نره^۵، ۲۰۱۶: ص ۵۴) دالی خود بارها در مصاحبه‌هایش با شبکه‌های آمریکایی بر این گفته تاکید می‌کرد و با مشابهت‌هایی حسانی که در صحبت‌هایش برقرار می‌ساخت خود به درک عمیق‌تری از نرم‌شدگی و از شکل افتادگی و در کل کش‌سانی عناصر تابلوهایش اشاره می‌کرد. همچنان که عصاها مظهر تقلای پر مخاطره‌ی انسانی برای بازیابی ایستایی، پس از فجایع جنگ‌های از سر گذرانده‌ی تاریخ اروپای معاصر نقاش‌اند، از شکل افتادگی و بی‌استخوانی پرسوناژها و عناصر اصلی نیز بر پیکره‌ی زخم خورده‌ی اروپا فریاد می‌کنند. "مسیح مثل پنیر است، یا دقیق‌تر، کوهستان پنیر و نیویورک پنیر بزرگ روکفورت^۶ گوتیک است اما سان فرانسیسکو من را به یاد پنیر کاممبر^۷ به سبک رومی می‌اندازد." (دالی، ۲۰۰۷: ص ۱۶۷ و ۱۶۸)

³ Dawn Ades (1943 -), (Tate Modern)

نظریه پرداز بریتانیایی و یکی از متولیان تیت مدرن لندن

⁴ Robert Descharnes (1926-2014)

عکاس، فیلمساز و نویسنده‌ی فرانسوی

⁵ Gilles Néret (1933-2005)

مورخ هنر و ناشر فرانسوی

⁶ Roquefort Cheese

⁷ Camembert Cheese

دالی در پاسخ به نامه‌ی ایلیا پریگوگین^۸ که ساعت‌های نرم او را نتیجه‌ی نقاشانه‌ی تاثیر پذیری او از نظریه‌ی نسبیت آلبرت اینشتاین^۹ می‌دانست اذعان کرده بود که بر خلاف این فرضیه‌ی طرح شده؛ به هنگام نقاشی ساعت‌های نرم در "پایداری حافظه"، در یک روز آفتابی گرم تابستانی، در رویای ذوب شدن پنیر فرانسوی کامبر بر پهنه‌ی ماسه‌های داغ سواحل کاداکاز^{۱۰}، شهر زادگاهش غوطه ور بوده است. (ریاحی، ۱۳۹۲: ص ۶۰) فرو رفته در مراقبه‌ای طولانی مدت حول مسائل غامض فلسفی و معماری گنج‌کننده‌ی چستی "ابر نرم"^{۱۱} پس از خوردن پنیر به همراه سردردی شدید. (دالی، ۱۹۴۲: ص ۴۲۵) در ازهم کشیدگی اجزای تصویر، این جهان بیرون نقاشی است که خود را در اطراف پهنای جمع می‌کند و گستردگی درونی برای پایداری در پهنه‌ی خودآگاه آگاهی، هر چه پیرامون است را مختل و کش‌سان درک می‌کند. در کنار چنین برخوردی تفاسیر روانکاوانه از این ویژگی، در آثار این هنرمند فراوان است. می‌توان از پارانویا^{۱۲} به عنوان نهایت بی‌اعتمادی و اوهام تهدیدآمیز در به خطر انداختن پایداری تصویر پذیرفته شده‌ی انسان از واقعیت در زندگی روزمره یاد کرد. و از شکل‌افتادگی اندام‌وار گوشت‌واره‌های پراکنده در دشت‌های وسیع ساحلی را به ترس از نابینایی، اختگی، اختلالات اندام‌های تناسلی و ضعف‌های عملکردی جنسی مردانه نیز تفسیر کرد.

در سال ۱۹۳۸ دالی جوان با زیگموند فروید^{۱۳} ۸۲ ساله ملاقات کرد و با توجه به مورد توافق مورخین قرار گرفتن گفته‌ی او راجع به این نقاش جوان برای مثال در نامه‌ای به اشتفان سوايگ^{۱۴}: "نگاه این پسر، نگاه مجنون‌ی پر تعصب است، من تا به حال به سوررئالیست‌ها جوری نگاه می‌کردم که انگار تمامشان نادان‌اند، اما این مرد جوان اسپانیایی با چشمان شگفت‌آور یک نابغه باعث شد تا در عقیده‌ی خود تجدید نظر کنم." (فروید، بی‌تا: بند ۶ و ۷ (Link 2))، و همچنین قابل دانستن برخی از آثار دالی برای آنالیز روانکاوانه، چنین تفاسیر ساختارمندی به بخش جدایی‌ناپذیر این اثر بدل گردیده‌اند. دالی در کتاب زندگی پنهان سالوادور دالی اذعان کرده است که "در دوره‌ی سوررئالیستی خود، می‌خواستم تا تمثال پردازی و زبان تصویری جهان درون را خلق کنم، جهان حیرت‌آور پدرم فروید. حال که با خلق این اثر (پایداری حافظه) به این مهم دست یافته‌ام، امروز، جهان بیرون؛ جهان فیزیکی که از روانشناسی اعتلا یافته است مرا به سوی خود می‌خواند. و امروز پدرم هاینبرگ^{۱۴} است." (دالی، ۱۹۹۸: ص ۳۵۶) و این گونه شد که دالی به خلق آثاری با محوریت ایده‌ی مشابه، و به عقیده‌ی بسیاری مهم‌ترین و تاثیر گذارترین نقاشی تمام عمر خود (پایداری حافظه (تصویر ۱)) از منظر بداعت محتوایی و یکی از کامل‌ترین معرفان رویکردهای تازه‌ی هنری قرن بیستم در هنر پس از جنگ پرداخت. آثاری که گویی مدام در تکاپوی دوباره به چنگ آوردن ایده‌ی ناب اولیه و تحقق ناگهانی آن تقلا کرده و ترکیبات تازه‌ای را عنوان می‌کنند؛ از تندیس‌های برنزی در اندازه‌های متعدد (تصویر ۲ و ۳)، طرح‌ها و چاپ‌ها (لیتوگرافی‌ها)ی بیشمار گرفته تا نقاشی‌هایی با موضوع مشترک و در ابعاد مشابه (تصویر ۴)،

⁸ Ilya Prigogine (1917-2003)

شیمیدان طبیعی بلژیکی، متولد روسیه، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل شیمی به منظور تحقیق بر ساختارهای مولکولی

⁹ Albert Einstein (1879-1955)

فیزیکدان آلمانی، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل فیزیک به منظور بسط نظریه‌ی نسبیت ذره‌ای و مکانیک کوانتومی

¹⁰ Cadaqués, Catalonia, Spain

¹¹ supersoft

¹² Paranoia

جنون ایجاد سوء ذن شدید و هذیان پنداری

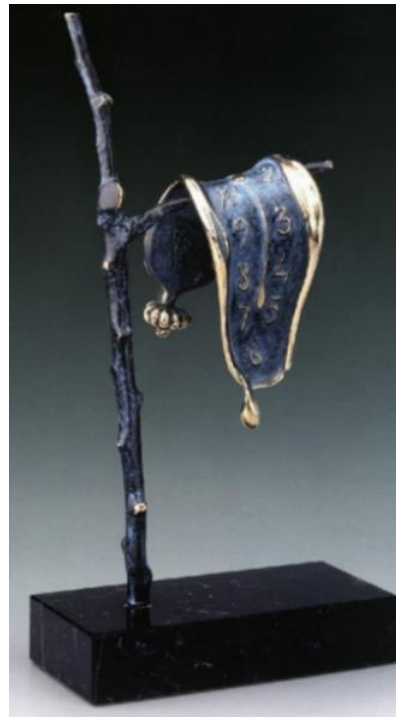
¹³ Stefan Zweig (1881-1942)

رمان نویس، نمایشنامه نویس و روزنامه‌نگار اتریشی

¹⁴ Werner Heisenberg (1901-1976)

فیزیکدان آلمانی، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل فیزیک به منظور طرح مکانیک کوانتومی و اصل عدم تعادل

دالی به بررسی و باز ترکیب عنصر اصلی تابلوی "پایداری حافظه" پرداخته است، اما مهم‌ترین آنان را می‌توان "تلاشی پایداری حافظه"^{۱۵} (تصویر ۵) عنوان کرد که با ابعادی تقریباً مشابه به بازسازی اثر اولیه و اینبار نه با رویکرد پیشین به تعبیر خود هنرمند "پارانویایی - انتقادی"^{۱۶} که با جهان بینی و یا در مفهوم تقلیل یافته‌تری "تمهیدات نقاشانه"^{۱۷}ی به قول خود او تازه‌ای با عنوان منش "هسته‌ای - ذره‌ای"^{۱۷} می‌پردازد. اثری که پس از انفجار اتمی آگوست ۱۹۴۵ در ژاپن به شکل نمادینی به تجزیه‌ی اثر ارجاعی به پاره‌های سازنده‌ی تمام موجودات یعنی اتم‌ها می‌پردازد. "کاندینسکی"^{۱۸} از جمله نخستین نقاشانی است که هنرش را با فیزیک و روانشناسی در آمیخت و آثارش را نمود کیهانی، همنوایی رنگ‌ها و موسیقی افلاک نام نهاد. اگر بخواهیم به پهنه‌ی نشانه‌های نمادین و ناخودآگاه دست یابیم باید آمادگی در خود و با خود بودن و حد و کران شناختن و یگانگی با جهان تازه و پیرامون را داشته‌باشیم و بدانیم کمال در راه است و آنگاه آن زندگی تازه ما را در آغوش می‌گیرد و آن را به آغوش می‌کشیم. اینک از دنیایی که به ظاهر می‌شناسیم به دنیایی که اساساً نمی‌شناسیم وارد شده‌ایم. " (ریاحی، ۱۳۹۲: ص ۲۹)



تصویر ۲- پایداری حافظه (سمت راست)، سالوادور دالی، ۱۹۷۰، برنز، ارتفاع ۱۹۱ سانتی‌متر، گالری یانگ^{۱۹}، سنگاپور (url 2)

تصویر ۳- مقطع زمان^{۲۰} (سمت چپ)، سالوادور دالی، ۱۹۸۴، برنز و پتینه‌ی سبز، ارتفاع ۵۰.۸ سانتی‌متر، گالری آندرو وایس^{۲۱}، لس آنجلس، آمریکا (url 3)

¹⁵ The Disintegration of Persistence of Memory

¹⁶ paranoiac-critical method

¹⁷ Nuclear- atomic method

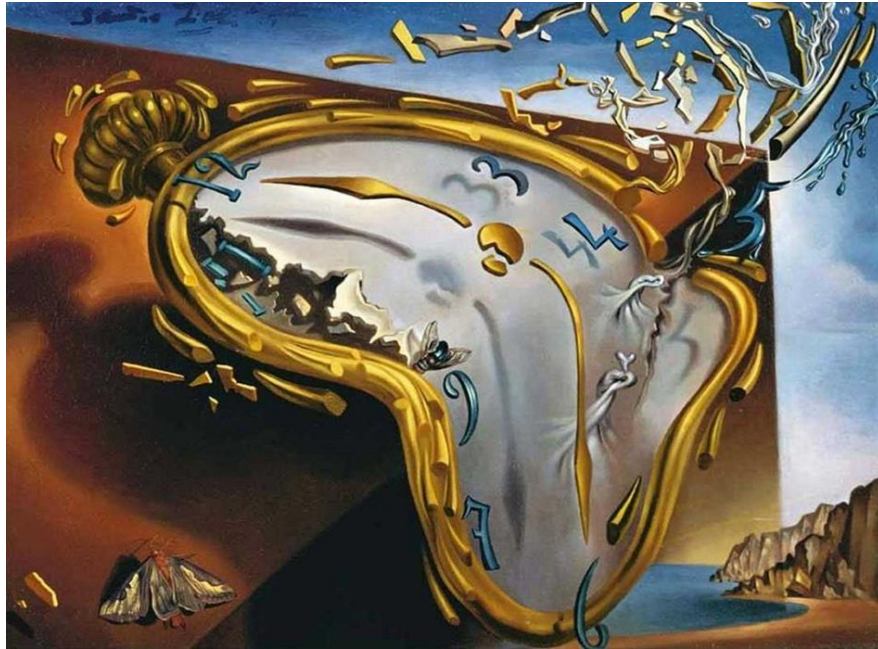
¹⁸ Wassily Kandinsky (1866-1944)

نقاش و نظریه‌پرداز روسی که به عنوان اولین نقاشان انتزاع‌گرا شناخته شده‌است

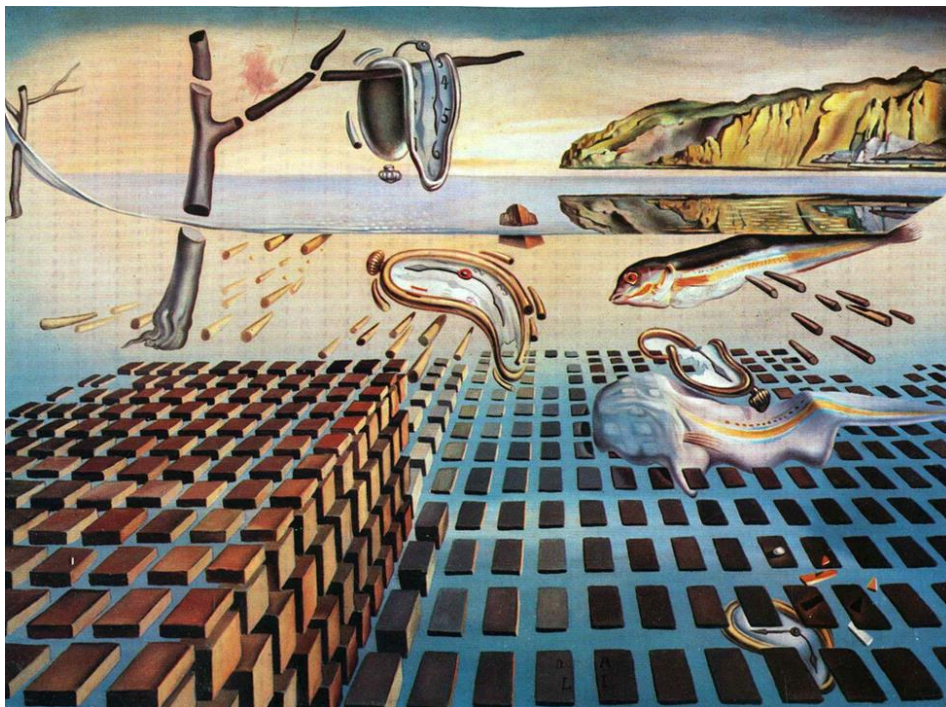
¹⁹ Yang Gallery

²⁰ The Profile of Time

²¹ Andrew Weiss Gallery



تصویر ۴- ساعت‌های نرم در لحظه‌ی نخستین انفجار^{۲۲}، سالوادور دالی، ۱۹۵۴، رنگ روغن روی بوم، ۲۰٫۵ در ۲۵٫۷ سانتی‌متر، موزه‌ی سالوادور دالی، سن پترزبورگ شهری ساحلی که نامش از شهری در روسیه برگرفته شده است، فلوریدا، آمریکا (url 4)



تصویر ۵- تلاشی پایداری حافظه، سالوادور دالی، ۱۹۵۲-۱۹۵۴، رنگ روغن روی بوم، ۲۵٫۴ در ۳۳ سانتی‌متر، موزه‌ی سالوادور دالی^{۲۳}، سن پترزبورگ شهری ساحلی که نامش از شهری در روسیه برگرفته شده است، فلوریدا، آمریکا (url 5)

²² Soft Watch at Moment of First Explosion

²³ The Dalí (Salvador Dalí Museum)

کاربرد نشانه‌ها در کنار نمادها در آثار سوررئالیستی، عبور دادن ذهن به مدلول را به تأخیر می‌اندازد. موجودات غریب و ترکیبات و سنتزها، اعم از همگرا و واگرا و اندامواره‌های ناقص اما به اصطلاح جاندار (تصویر ۶ و ۷)، خود، موجودیتی مستقل از ارجاع سمبلیک صرف مطالبه می‌کنند. آنان از بیننده دعوت می‌کنند تا در فضای مخلوق خود درنگ کرده به تجربه بپردازد. امکان وقوع و احساس ناامنی مخاطب درست در همان رویکرد نقاشانه‌ای ریشه دارد که آثار قلم‌مو را محو کرده، ناپیدا می‌کند و با نورپردازی‌هایی با منابع نور بیرون کادر به بعد نمایی عینیت یافته در تجربه‌ی هر روزه‌ی انسان‌ها می‌پردازند. فضایی به غرابت این استعاره‌ی تکان دهنده و مرموز از ایزادور دوکاس^{۲۴} شاعر نسبتاً گمنام فرانسوی، یکی از بزرگ‌ترین تأثیرگذاران بر شکل‌گیری جنبش‌های سوررئالیستی در ادبیات و دیگر حوزه‌های هنری، که با اسم مستعار کنت لوتره‌آمون در مهم‌ترین اثر خویش "نغمه‌های مالدورور"^{۲۵} ثبت کرده‌است و می‌تواند نمایش‌گر قابل این عدم تجانس‌ها، اسلوب موشکافانه، مینیاتوروار و غافلگیرکننده و بار هم‌افزای ادبی و دراماتیک آنان باشد: "موقعیتی به زیبایی مواجهه‌ی یک چتر و یک چرخ خیاطی بر روی میز تشریح" (دوکاس، ۲۰۱۲: ص ۷۳ (سرود ۶، بخش سوم))



تصویر ۶- خودارضایگر بزرگ^{۲۶}، سالوادور دالی، ۱۹۲۹، رنگ روغن روی بوم، ۱۱۰ در ۱۵۰ سانتی‌متر، موزه‌ی ملی ملکه سوفیا^{۲۷}، مادرید، اسپانیا (url 6)

²⁴ Isidore Lucien Ducasse (Comte de Lautréamont)
(1846-1870)

شاعر فرانسوی و از تأثیرگذاران مهم هنر و ادبیات مدرن

²⁵ Les Chants de Maldoror (The Songs of Maldoror)
(1968-1869)

²⁶ The Great Masturbator

²⁷ Queen Sofía National Art Center Museum (Museo Nacional Centro de Arte Reina Sofía)



تصویر ۷- معماری میل: مادرم، مادرم، مادرم²⁸، سالوادور دالی، ۱۹۲۹، رنگ روغن روی بوم، ۱۵۰،۷ در ۱۱۰ گالری هنر مدرن²⁹، ایالت باواریا، مجموعه ی هنر مدرن، مونیخ، آلمان مادرید، اسپانیا (url 7)

اما این معما پیش از بهره‌گیری از آخرین اثر نقاشانه برای رسیدن به تفسیر پایانی که خودنگاره‌ای تعیین کننده و خلق شده بعد از شکل‌دهی به "پایداری حافظه" است، کمی به توصیف محیط درونی و ارتباطات اجزا پرداخته و با رجوع به دو اثر که پیش از نقاشی مورد بحث خلق شده‌اند (تصویر ۶ و ۷) سعی می‌کند تا ارتباطات بصری در ترکیب بندی و ساختار کلی نقاشی را به کمک پیکره‌ها و عناصر ارگانیک روشن‌تر سازد.

پهنه‌ی وسیع آثار دالی را دریچه‌ای به دوران کودکی او عنوان می‌کنند. تخته سنگ‌ها، صخره‌ها و چشم اندازه‌های ساحلی به حدی با ظرافت و جزئیات طبیعت گرایانه کار شده‌اند که حتی عده‌ای از ژورنالیست‌هایی که بر آثار او نوشته و کار کرده‌اند، ادعا می‌کنند برخی از این صخره‌ها (تصویر ۶ و ۷) را در کرانه‌های شهر ساحلی کاتاکاز در خلیج کاتالونیا (شمال شرقی اسپانیا) یافته‌اند و تصاویری که به عنوان مدارک این مدعا ارائه می‌دهند توجه را به خود جلب می‌کنند (تصویر ۸). از این دست نکات می‌توان به صخره‌های ناهموار موجود در سمت راست و بالای تابلو (تصویر ۱)، کلاهک پرتگاه ساحلی کرئوس³⁰ اشاره کرد، و سایه‌ی عجیب و غریب و خوفناک و گویی شوم پیش‌زمینه را به کوه پانلو³¹ در مجاورت این پرتگاه طبیعی نسبت داد.

²⁸ The Enigma of Desire: My Mother, My Mother, My Mother

²⁹ Gallery of Modern Art in Munich

³⁰ Cap de Creus

³¹ Panelo/Pani Mountain



تصویر ۸- زمین‌شناسی بدون توقف خوابیده است^{۳۲}، عکاس نامعلوم، ۱۹۳۷، عکس سنگی در پرتگاه ساحلی کرئوس معروف به سنگ خفته، مکان نگهداری نامعلوم (url 8)

غلبه‌ی رنگ‌های کلاسیک یعنی انواع قهوه‌ای‌های گرم به عنوان کامل‌ترین رنگ، وجه زمینی و این جهانی چشم‌انداز را مورد تاکید قرار می‌دهد، حال آن که کنتراست‌های شدید سه ساعت سرد فام به رنگ آسمان، خود را از بستر کلی حاکم بر کادر جلو می‌کشاند (تصویر ۱). تنها ساعتی که به میز می‌چسبد و از منظر الویت ظهور در چشم مخاطب از مراتب چندم برخوردار است ساعت نارنجی رنگی است که مورچگان تجمع کرده به خوردن تدریجی آن مشغول‌اند. اعتقاد تفسیر پیشنهادی این است که ساعت‌ها، ساحت‌های متفاوتی از مراحل گذار و شکل‌گیری یک رویا ارائه می‌کنند. رویایی که کاملاً چیده شده و برخلاف ادعای نقاش به صحنه‌ای از تئاتر می‌ماند. در نتیجه‌ی یک برخورد در فاصله‌ی خواب و بیداری بیننده به مثابه‌ی نقاش، میز یا قفسه‌ای چوبی به تابوتی ساده و یا حتی تکه یا جزئی از اجزایی که در تابلوی "تلاشی پایداری حافظه (تصویر ۲)" به کرات در فضا پراکنده‌اند بدل می‌شود و شیشه‌ی روی میز با انعکاس آسمان به تداعی دریا می‌پردازد. درختی خشک، مرده و قطع شده از حفره‌ی ذره‌ی بنیادین موجودات می‌روید تا مثل عصایی نگاه‌دار پیکره‌ی آویخته‌ی سومین ساعت را فراهم سازد. حشرات نقطه‌ی ارتباط دو ساعت اول و دوم که از منظر ساختار و رنگ بسیار متفاوت‌اند را برقرار می‌کنند. اکنون مگسی بر روی تنها ساعتی که در حال ذوب شدن از لبه‌ی میز به پایین می‌لغزد نشسته است. ساعت آویخته اما در وضعیتی پایدارتر، سفت‌شدگی در انحنا را القا می‌کند. آخرین ساعت به شکل فرم‌یافته‌ای کارکرد یافته؛ نشیمن گاهی را تداعی‌گر می‌شود.

³² Geology sleeps without cease

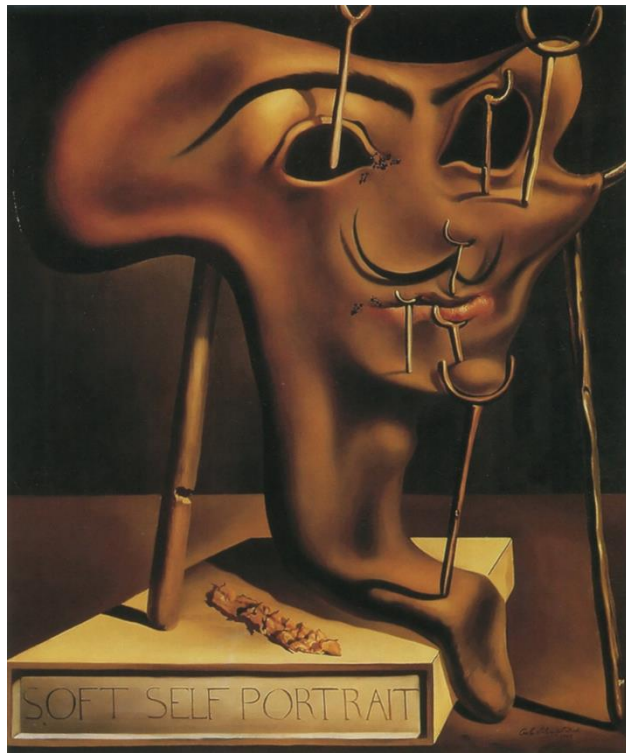
ساعت‌ها بر خلاف اولین نگاه که جایگاه عقربه‌ها را مشابه تشخیص می‌دهد، با وارونه شدن اعداد نمایش یافته‌اشان برش زمانی معینی را بازتاب نمی‌دهند بلکه برش در کلیت کار نهفته‌است. و این درست اولین جایی است که کارکرد ساعت این ابزار مکانیکی و این دستاویز مورد اطمینان انسان مدرن که کارکرد نشانه‌ای خود را از دست‌داده و به مکانیزم حرکت زمان بدل گشته‌است، منحل می‌شود. دومین جا همان ساعت در حال ذوب شدن به لبه‌ی میز است که حرکت رو به پایین را با اعوجاج لبه‌ها و عقربه‌ی با فاصله از سطح قرار گرفته‌ی در حال لیز خوردن‌اش نشان می‌دهد. اما این برش همچو ناقوسی که به صدا درمی‌آید و بعد زنگ صدایش به مرور کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر در فضا از هم می‌پراکند، با تلنگری، بیننده را به موضوع اصلی، یعنی اندام‌واره‌ی میانه و مرکز کادر پرتاب می‌کند. برش خطی لبه‌ی میز با قطع قطری که از بالا راست به پایین چپ کشیده می‌شود، چشم را از مثلث قائم‌الزاویه‌ی فعال‌تر پایین-چپ کادر آزاد می‌کند تا در راستای کشیدگی آن گوشت‌واره‌ی چهره‌گون به زمین ماسیده، در فراخانی چشم‌انداز گردش کند. اندازه‌ی کوچک کادر در انتخاب بوم (۲۴ در ۳۳ سانتی‌متر)، با گستردگی افقی دید چشم‌انداز تضادی سازنده در معنا می‌سازند. به لطف این تدبیر بی‌انتهایی و فشرده‌گی فضای نیمه و ناخودآگاه روان امکان بروزی بصری پیدا می‌کنند.

حال پیکره‌ی از هم دریده‌ی میان؛ "هیولای غریب"^{۳۳} عنوانی بود که به تمثال‌هایی شخصی از چهره‌ی دالی در آثار پیشین‌اش همچو "خودارضاگر بزرگ" (تصویر ۶) و "معمای میل، مادرم، مادرم، مادرم" (تصویر ۷) نسبت داده می‌شد. این پیکره همزمان که می‌تواند تجسیدی از موجودی در حال محوشدن باشد، می‌تواند چهره‌ای با یک چشم و چند مژه بر پلک را تداعی کرده و خود به حالت، ساحت یا مرحله‌ی دیگری از رویا اشاره کند. همچنین می‌تواند از منظری تمثال‌گرایانه به خود نقاش که در حال تجربه‌ی یک رویاست رهنمون شده و ساعت‌ها را به نشان‌های گذر زمان در چشم رویابین، آنگونه که در رویا اتفاق می‌افتد، تبدیل کند.

دالی "خود نگاره‌ی نرم با بیکن سرخ شده"^{۳۴} (تصویر ۹) را خودنگاره‌ای ضدروانشناسانه خوانده است. او در این مورد اذعان داشته: "به جای نقاشی روح و درون، بیرون و پوسته‌ی خود را نقاشی کرده‌ام. این قالب خوردنی است و اندکی مزه‌ی نامطبوع دارد. به این دلیل مورچه‌ها را کشیده و ورقه‌ی بیکن سرخ‌شده را در نقاشی آورده‌ام. از آنجا که سخاوتمندترین هنرمندانم، همواره خود را تعارف می‌کنم تا خورده شوم." (دشارن - نره، ۲۰۱۶: ص ۳۵۹) اشاره به القای طعمی نامطبوع و وجود مورچگان، همچنین پیش فرض دانستن این که "هیولای غریب" ما همان چهره‌ی نقاش است، تا حدود زیادی به زهرخند هنرمند و این استهزای تلخ کارگردانی ایستاده در پشت پرده‌ی نمایش‌اش که بر روی صحنه است، می‌پردازد.

³³ strange monster

³⁴ Soft Self-Portrait with Grilled Bacon



تصویر ۹- خودنگاره‌ی نرم یا بیکن سرخ شده، سالوادور دالی، ۱۹۴۱، رنگ روغن روی بوم، ۶۱،۳ در ۵۰،۸ سانتی‌متر، موزه‌ی سالوادور دالی، کاتالونیا، اسپانیا (url 9)

واژه‌ی "پایداری"^{۳۵} علاوه بر معادل "تداوم" که به کلیت کاربردی آن بسیار نزدیک است، کش آمدگی و گستردگی طولی را نیز تداعی می‌کند. پس می‌توان آن را معادلِ دالِ زبانی ساعت‌ها در زبان بصری تصویر عنوان کرد. نکته‌ی دیگر به واژه‌ی "حافظه"^{۳۶} مربوط می‌شود؛ بر طبق نظریه‌ای در علم عصب شناسی معروف به "اتکینسون^{۳۷}-شیفرین^{۳۸}" حافظه به سه حوزه و چهار بخش تقسیم می‌شود:

۱- حافظه‌ی حسانی^{۳۹}

۲- حافظه‌ی فعال^{۴۰}

۳- حافظه‌ی کوتاه مدت و بلند مدت^{۴۱}

(اتکینسون-شیفرین، ۱۹۶۸: ص ۸۹ - ۱۹۵)

³⁵ Persistence

³⁶ Memory

³⁷ Richard Atkinson (1929-)

مدرس روانشناسی آمریکایی در دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو

³⁸ Richard Shiffrin (1942-)

مدرس علوم شناختی آمریکایی در دانشگاه ایندیانا، بلومینگتون

³⁹ Sensory Memory

⁴⁰ Working Memory

⁴¹ Short-term and Long-term Memory

در ارتباط با اثر مورد بحث و با توجه به مشابهت‌های طعم غذا و کیفیات فرم، از طرف نقاش؛ این همان حافظه‌ی حسانی است که ساعت‌های ذوب شده را متأثر شده‌است، زیرا دقیقاً همین گونه‌ی حافظه است که الصاق تجارب به چیزهایی را که ما در نهایت، در عمیق‌ترین مراتب‌شان به خاطر می‌آوریم امکان پذیر می‌سازد. برای به خاطر آوردن چنین تجربه‌ای می‌توان به موقعیت‌هایی اشاره کرد که در آنان حس ما از گذر زمان با آنچه که واقعیت می‌خوانیم‌اش همخوانی نداشته و از جانب فردی که این وضعیت را از سر می‌گذراند بسیار طولانی‌تر از آن چیزی است که از نشانه‌گذار گذر زمان یعنی ساعت و یا همان طی شدن عمر روز دریافت کرده است. گویی خاطره‌ی فرد از حسی که در تجربه‌ی آن موقعیت قرار داشته‌است در ساحت و یا حوزه‌ی متفاوتی از ذهن رخ داده و از سر گذرانده شده‌است. حس ناخوشایندی که با نگاه به ساعتی از کار افتاده، عقب مانده و یا از شکل افتاده و در نهایت با نگاه ساعتی در حال ذوب شدن، ذوب شده و یا سفت مانده اما خم و معوج، ایجاد شده و با تجربه و انتظار ما متفاوت است.

با توجه به تندبسی که "اسب زین شده با زمان" (تصویر ۱۰) نام دارد و با قطعیت تمامی که اسب را تجسد بخشیده است، و همچنین مجسمه‌های دیگری از جمله "پایداری حافظه" (تصویر ۲)، "مقطع زمان" (تصویر ۳)، "اصالت (عظمت) زمان" (تصویر ۱۱) و "رقص زمان ۱، ۲ و ۳" (تصویر ۱۲، تصویر ۱۳ و تصویر ۱۴)، که ایده‌ی سخت شدن در انحنا را پیش کشیده و متجسد می‌سازند، می‌توان نقاشی اصلی مورد بحث (تصویر ۱) را به شکلی غنی‌تر، پیچیده‌تر و به شکل کامل‌تری محافظه‌کارانه‌تر و پویا بر روی مرز در نظر گرفت. جایی که نقطه‌ی گذاری که با شباهت پوسته‌ی چهره‌گون و ماهی در تابلوی "تلاشی پایداری حافظه" (تصویر ۵) پنهان شده و تاکید مهم‌تری بر ساعت زین‌گون منظور می‌شود. اینگونه است که اثر با نفی یکی پنداشتن زمان و ساعت دوباره ساعت را به زمان رویا تعبیر می‌کند. با دارا بودن تمام عناصر غریبی که تصویری را رویا گون توصیف می‌کنند و با تمام تاکیدات هنرمند بر بی‌واسطگی الهام تصاویر و چشم ثبت‌کننده‌ی مناظری از رویا که ناخودآگاه در سایه‌های آن می‌خرامد و پنهانی بخش‌های گزیده‌ی آشکار خود را به رخ می‌کشد، اثر به پوسته و واسطه‌ای تازه همچون کلمات بدل می‌گردد که حقیقت بنیادین میرایی حیات با ریشخند زربینی در تلالوی خورشیدی ناپیدا، خیلی دور و خیلی نزدیک به بینندگان مانده بر سطح نظاره می‌کند. کاش می‌توانست تا با برداشتن قاب (تصویر ۱) از دیوار آویخته‌ی خویش، این گره درهم پیچیده و به طرز وحشت‌آوری نزدیک به کمال ناگشودگی را از هم باز کرد.



تصویر ۱۰-اسب زین شده با زمان^{۴۲} (سمت راست)، سالوادور دالی، ۱۹۸۰، برنز، ارتفاع ۴۳،۹ سانتی‌متر، گالری آندرو وایس، لس آنجلس، آمریکا (url 10)
تصویر ۱۱-اصالت (عظمت) زمان^{۴۳} (سمت چپ)، سالوادور دالی، ۱۹۸۰، برنز، ارتفاع ۵۹،۹ سانتی‌متر، گالری آندرو وایس، لس آنجلس، آمریکا (url 11)



تصویر ۱۲-رقص زمان I^{۴۴} (سمت راست)، سالوادور دالی، ۱۹۸۴، برنز، ۳۸،۶ سانتی‌متر، گالری آندرو وایس، لس آنجلس، آمریکا (url 12)
تصویر ۱۳-رقص زمان II^{۴۵} (وسط)، سالوادور دالی، ۱۹۸۴، برنز، ۳۰،۴ سانتی‌متر، گالری آندرو وایس، لس آنجلس، آمریکا (url 13)
تصویر ۱۴-رقص زمان III^{۴۶} (سمت چپ)، سالوادور دالی، ۱۹۸۴، برنز، ۲۶،۴ سانتی‌متر، گالری آندرو وایس، لس آنجلس، آمریکا (url 14)

⁴² Horse Saddled with Time

⁴³ The Nobility (Greatness) of Time

⁴⁴ Dance of time I

⁴⁵ Dance of time II

⁴⁶ Dance of time III

فهرست منابع تصویری

url 1: <https://www.moma.org/collection/works/79018>

url 2: https://www.yanggallery.com.sg/wp-content/uploads/2018/03/dali_bronze_sculpture_persistence_of_memory.jpg

url 3: <https://www.andrewweissgallery.com/products/salvador-dali-profile-of-time-from-the-sculpture-collection>

url 4: <https://www.dalipaintings.com/images/paintings/the-melting-watch.jpg>

url 5: <https://www.dalipaintings.com/images/paintings/the-disintegration-of-the-persistence-of-memory.jpg>

url 6: <https://www.museoreinasofia.es/en/collection/artwork/visage-du-grand-masturbateur-face-great-masturbator>

url 7: https://arthive.com/artists/88378~Salvador_Dale/works/617645~Riddles_of_desire_my_mother_my_mother_my_mother#show

url 8: http://www.all-art.org/art_20th_century/dali-3-3.html

url 9: <https://www.dalipaintings.com/images/paintings/soft-self-portrait-with-fried-bacon.jpg>

url 10: <https://www.andrewweissgallery.com/products/salvador-dali-horse-saddled-with-time-from-the-sculpture-collection>

url 11: <https://www.andrewweissgallery.com/products/salvador-dali-nobility-of-time-from-the-sculpture-collection>

url 12: <https://www.andrewweissgallery.com/products/salvador-dali-dance-of-time-i-from-the-sculpture-collection>

url 13: <https://www.andrewweissgallery.com/products/salvador-dali-dance-of-time-ii-from-the-sculpture-collection>

url 14: <https://www.andrewweissgallery.com/products/salvador-dali-dance-of-time-iii-from-the-sculpture-collection>

فهرست منابع کتب و مقالات فارسی و لاتین

- ریاحی، هرمز. ۱۳۹۲ (چاپ دوم). نقاشی و زندگی سالوادور دالی. تهران: چاپ و نشر نظر

-Atkinson, R.C.; Shiffrin, R.M. 1968. "Chapter: Human memory: A proposed system and its control processes". In Spence, K.W.; Spence, J.T. (eds.). The psychology of learning and motivation. 2. New York: Academic Press. pp. 89–195.

-Dalí, Salvador. 1942. The Secret Life of Salvador Dalí. Translated by Haakon M. Chevalier. New York City: Dial Press.

-Dalí, Salvador; Parinaud, André, 2013 (Originally in French under the title Comme On Devient Dalí by Robert Laffont Éditions in 1973). Unspeakable Confessions of Salvador Dalí. Translated by Harold J. Salemsen Revised edition. Elektron Ebooks.

-Dalí, Salvador; J. G. Ballard. 2007 (Originally in 1963). Diary of a Genius. Translated from the French by Richard Howard. Revised edition. Chicago: Solar Books.

-Dalí, Salvador. 1998. The Collected Writings of Salvador Dalí. Translated by Haim Finkelstein Cambridge: Cambridge University Press.

-Descharnes, Robert; Néret, Gilles. 2016 (Originally in 1993). Dalí: The Paintings. Translated by Michael Hulse. Cologne: Taschen

-Ducasse, Isidore Lucien (Comte de Lautréamont). 2012 (Originally in 1948). The Songs of Maldoror (Les Chants de Maldoror). Translated from French by R. J. Dent. London: Vision Press.

فهرست منابع اینترنتی

-Link 1: https://en.wikipedia.org/wiki/The_Persistence_of_Memory#cite_note-3

-Link 2: <https://www.thedaliuniverse.com/en/news-dali-and-freud>